

ترکیه و روسیه از خصومت تا شراکت



روابط ترکیه با روسیه در سال های اخیر دستخوش تحولات بسیاری شده به طوری که این دو کشور به رغم پارادوکس های فراوان در حوزه های سیاسی و نظامی، همچنان دارای منافع مشترکی نیز هستند که به همین علت، بسیاری از تحلیل گران در تبیین قطعی روابط این دو کشور همواره با مشکل مواجه شده اند.

به گزارش آران نیوز: روسیه را باید یکی از کشورهای مهم و با جایگاهی بالا در جهان دانست. این کشور در دوران اخیر و به خصوص از زمان روی کار آمدن ولادیمیر پوتین در سال ۱۹۹۹ به عنوان نخست وزیر و سپس در سال ۲۰۰۰ به عنوان رئیس جمهوری این کشور توانسته به جایگاه توانمند خود در عرصه بین الملل باز گردد. هر چند در نگاه اول اینگونه به نظر می رسد که روسیه نیازی به معرفی ندارد، اما بدون تردید و به اعتراف بسیاری از محققان و پژوهشگران، این کشور و دولت آن همچنان یکی از ناشناخته ترین ها در عرصه های مختلف بشمار می رود و به همین علت ممکن است در یک زمان ده ها تعریف به خصوص در حوزه سیاسی از این کشور ارائه شود.

اما یک نکته قابل تأمل در حوزه سیاسی و نیز بین الملل درباره جایگاه روسیه وجود دارد که در ورای همه تعاریف موجود، به جرأت می توان گفت، این کشور بعد از سال ۲۰۰۰ میلادی یک سیاست چند وجهی را در جهان سیاست و به خصوص در قبال سیاست های ایالات متحده آمریکا در پیش گرفت و شاید به همین علت هم اینک بسیاری از تحلیل گران به سادگی نمی توانند رفتارهای این کشور را در عرصه منطقه ای و بین الملل مورد مطالعه دقیق قرار بدهند.

صرف نظر از این موارد، اما آنچه که به نظر قطعی می رسد اینک به رغم تمام این پیچیدگی ها، روس ها به دلیل محدودیت شدید در منابع تولید به خصوص در بخش غذایی و نیز برخورداری از یک جمعیت حریص و پر اشتها ۱۴۷ میلیونی همواره در نظر برخی از سیاستمداران جهان دارای یک نقطه ضعف بزرگ بوده و هستند و طبیعی است دولت مردان کرملین نیز برای پر کردن این خلأ، ناچار می بایست در پاره ای از موارد امتیازاتی را به رقبای خود از جمله آمریکا بدهند.

ترکیه را نیز باید یکی از کشورهای مهم در عرصه بین الملل و منطقه در حوزه های مختلف دانست. کشوری مسلمان با جمعیتی حدود ۸۵ میلیون نفر و قدرتی نوظهور در حوزه های اقتصادی با درآمد سرانه حدود ۱۵ هزار دلار در سال که به گفته دولت این کشور و بر اساس چشم انداز اقتصادی تدوین شده قرار است تا سال ۲۰۲۳ همزمان با صدمین سالگرد اعلام جمهوریت ترکیه، تولید ناخالص ملی ترکیه به میزان ۲ هزار میلیارد دلار و درآمد سرانه نیز به ۲۵ هزار دلار برسد.

**** جای گیری ترکیه در بلوک غرب**

بدون تردید تا قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۰ روابط خوب و دوستانه ای میان مسکو و آنکارا وجود نداشت. از دید مسکو و حتی تا مدتها پس از فروپاشی شوروی، ترکیه کشوری بود که اولاً در دریای سیاه رقیبی برای روسیه به شمار می رفت و در ثانی به علت عضویتش در پیمان ناتو و به خودی خود در این عرصه مقابل روسیه قرار می گرفت.

مسائل قومیتی به خصوص جانبداری ترکیه از اقوام در آسیای میانه و منطقه قفقاز نیز کاملاً در تعارض با امنیت ملی روسیه در مناطق تحت نفوذ خود بود. موضوع کمک ترکیه به ارتش گرجستان در ماجرای اوستیای جنوبی در سال ۲۰۰۸ و فشار غرب به روس ها برای عقب نشینی در برابر ارتش گرجستان هم از موارد رویارویی غیر مستقیم دو کشور در سال های اخیر بشمار می رود.

از آن گذشته با شروع بحران در سوریه در سال ۲۰۱۱ و حضور رسمی روسیه از سال ۲۰۱۵ در کنار نیروهای سوری و سایر نیروهای دوست دمشق، آنکارا و دمشق به طور آشکار در دو جبهه مخالف، رو در روی هم قرار گرفتند. تقابل این دو کشور در سوریه زمانی به اوج رسید که دو فروند جنگنده اف ۱۶ ارتش ترکیه در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۵ (سوم آذر ۹۴) یک فروند جنگنده سوخوی ۲۴ متعلق به روسیه را در مرز سوریه سرنگون کردند.

بلافاصله پس از این رخداد روسیه از قطع تمامی روابط نظامی با ترکیه خبر داد و ساخت تنها نیروگاه هسته ای ترکیه واقع در استان مرسین در جنوب این کشور را متوقف کرد. روس ها همچنین روابط گردشگری خود را نیز با ترکیه قطع کردند و ضرر هنگفتی از این ناحیه به شرکت های ترک وارد شد. شاید این ماجرا را بتوان از معدود رخدادهایی نام برد که دو کشور به طور مستقیم رودرروی یکدیگر قرار گرفتند. هر چند در نهایت ماجرا ختم به خیر شد.

اما پرسش اساسی این است که چرا به رغم این همه فاصله میان روسیه و ترکیه، مسکو و آنکارا به خصوص در دوران اخیر تلاش زیادی را برای نزدیکی به هم آغاز کرده اند و به خصوص در جریان اصرار بر خرید سامانه های دفاع هوایی اس ۴۰۰ از سوی ترکیه، آنکارا آشکارا خود را در مقابل تهدیدات آمریکا قرار داد و حتی حاضر به پذیرش خسارات آن و پرداخت تاوان های سنگین اقتصادی شد؟ هم اکنون نیز به رغم اینکه ترکیه سامانه های اس ۴۰۰ را تحویل نگرفته اما آمریکا توانسته هزینه های زیادی را بر ترک ها تحمیل کند به طوری که به نظر می رسد اقتصاد ترکیه به علت برخی موانعی که کاخ سفید آن را ایجاد کرده، تا حدود زیادی متضرر شده و به جرأت می توان گفت که حتی موجب کاهش شدید ارزش لیر ترک در برابر دلار آمریکا شده است.

**** تمایل به دوستی در ورای نگاه تقابلی**

اما به راستی روسیه و ترکیه چرا به رغم داشتن این همه فاصله و تفاوت در دیدگاه ها در برخی مسائل، در شرایط حاضر تا بدین حد مایل به نزدیک شدن به هم هستند؟ و چگونه می توانند به رغم تعلق به دو اردوگاه متفاوت به دنبال برقراری یک اتحاد راهبردی باشند، از یک سو روسیه ای قرار دارد که بازمانده یک قدرت هژمونی در شرق می باشد و یک رقیب دیرینه برای کشورهای بلوک غرب به شمار می رود و از سوی دیگر ترکیه ای قرار گرفته که متعلق به اردوگاه غرب است و دومین عضو بزرگ ناتو و یکی از اصلی ترین کشورهای متحد آمریکا می باشد. اساساً چگونه می توان پارادوکس های موجود میان این دو کشور را توضیح داد؟

شاید به درستی و به صراحت نتوان برای این پرسش پاسخی قطعی و حتمی یافت، چرا که پرداختن به همه زوایای این موضوع نیازمند صرف ساعت ها پژوهش و قلم فرسای است، اما به اختصار و تنها در یک کلمه شاید بتوان گفت که روسیه و ترکیه بر اساس منافع مشترکی که امروزه بیشتر به نقش و اهمیت آن پی برده اند، تلاش می کنند روابط نوینی را بر پایه همین منافع برای خود تعریف کنند. رسیدن به اهداف ترسیم شده و نیز دسترسی به منافع مشترک تمام راه های مسدود را برای این دو کشور باز کرده و آنها نیز حتی قادر هستند از بسیاری از موانع موجود بر سر راه توسعه مناسبات فی مابین به سادگی عبور کنند. البته غرب نیز بی میل نیست که به واسطه یکی از اعضای راهبردی خود، از قدرتمندترین کشور بلوک شرق میزبانی کند و این بار با هم بر سر یک میز بنشینند و قهوه ای میل کنند!

احساس نیاز به توسعه حوزه های اقتصادی و ارتقای خطوط امنیتی، دو همسایه را که از طریق آب های دریای سیاه به یکدیگر متصل هستند، روز به روز بیشتر به هم نزدیک می کند. به طوری که برای مثال و مطابق پژوهشی که یک پژوهشگر اروپایی در سال گذشته میلادی منتشر کرد، میزان علاقه روسیه به داشتن رابطه با ترکیه نسبت به کشوری مانند ایران ۸۵ به ۳۴ است.

روسیه به ترکیه همواره به عنوان یک مسیر قابل دسترسی به اروپا، غرب آسیا و شمال آفریقا نگاه می کرده است. از نظر روسیه، ترکیه کریدوری بسیار مهم برای انتقال انرژی به بازارهای اروپایی و آفریقایی است و به همین علت بسیار مایل به گسترش خطوط لوله نفت و گاز از طریق این کشور است، چرا که در صورت تحقق این امر روس ها موفق خواهند شد بدون آنکه به تنگه بسفر و حتی داردانل نیاز پیدا کنند، با استفاده از خطوط لوله به سادگی انرژی خود را به آن سوی مدیترانه برسانند. بنابراین مسکو به این نکته رسیده که چه بخواهد و چه نخواهد نمی تواند ترکیه را نادیده بگیرد و به همین دلیل تلاش پیدا و پنهانی را همواره برای نزدیک نگاه داشتن ترک ها به خود در برنامه کاری کرملین گنجانده است.

همچنین روس ها به خوبی می دانند که آنکارا می تواند در روند احداث خطوط لوله که نفت و گاز منطقه خزر و غرب آسیا را به اروپا منتقل می کند، مانع تراشی کرده و یا کارشکنی کند. در واقع با توجه به علاقه مندی اروپا به متنوع کردن منابع و مسیرهای تأمین گاز و نفت، استفاده از مسیر ترکیه به بهبود موقعیت روسیه در رقابت با سایر خطوط لوله نظیر نابوکو کمک خواهد کرد. در نتیجه ترکیه از اهمیت بسیار زیادی برای روسیه در بحث انتقال انرژی برخوردار است.

از سوی دیگر ترکیه نیز به روسیه با جمعیتی حریص هم از نظر گردشگری و هم از نظر مصرف کننده غذا به عنوان یک منبع درآمد ارزی نگاه کرده است. ضمن آنکه در حوزه نظامی نیز روس ها در صورت بدقولی غربی ها و به خصوص آمریکا در حوزه های اقتصادی و نظامی می توانند به کمک ترک ها بشتابند و نیازهای نظامی ترکیه را در جاخلی دادن های گاه بی گاه آمریکایی ها پُر کنند.

همچنین از نظر ترکیه، روسیه می تواند کمک های مؤثری را در برخی مسائل منطقه ای از جمله مقابله با تعدادی از بازیگران بد عهد و مشکل ساز مانند امارات و عربستان به ترکیه بدهد و از این نظر ترکیه نیز به خوبی به جایگاه ارشد روس ها در منطقه نیز واقفند.

بنابراین به نظر می رسد بیش از آنکه دو کشور به علت داشتن برخی اختلافات از جمله مسائل قومیتی به ویژه در قفقاز و آسیای میانه و حتی داشتن دو راهبرد متفاوت به علت متعلق بودن به دو اردوگاه شرق و غرب، با هم مشکل داشته باشند، آنها دارای منافع راهبردی و مهمی هستند که ارزش آن را دارد که حتی در کوتاه مدت ترک ها بخواهند از بخشی از منافع خود که در غرب دارند، چشم پوشی کنند.

چرا که اعتقاد بر این است، گرچه ترکیه عواقب نزدیکی به روسیه را فعلاً پذیرفته و حتی حاضر به پذیرش برخی تحریم های غرب برای توسعه مناسبات با روس ها شده است، اما در نهایت و به دلایل تعهداتی که به غرب دارد، به نظر می رسد ترک ها با یک دیپلماسی فعال بار دیگر غرب و به ویژه آمریکا را برای نزدیک شدن خود به روسیه توجیه خواهند کرد. اما فعلاً روابط این دو کشور را دستکم تا زمانی که روس ها خود مورد تحریم و بی مهری اروپاییان قرار گرفته اند (روسیه بعد از ماجرای شبه جزیره کریمه و موضوع اوکراین گرفتار تحریم اروپاییان شد) باید رو به توسعه دانست. پس باید به انتظار نشست و از نزدیک تحولات مربوط به روسیه، ترکیه و آمریکا را دنبال کرد و ملاحظه کرد که تعاملات این بازیگران در آینده به ویژه در حوزه های مناسبات نظامی چگونه رقم خواهد خورد؟